

مطالعه تطبیقی نمادها در نشان‌های ملی دوره اول پهلوی ایران و جمهوری چین^۱

ساجده نیکیان^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۱

فریده آفرین^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۰۸

چکیده

از آن‌جا که دو کشور ایران و چین طی تاریخ، ارتباطات گسترده و روابط فرهنگی و هنری چشم‌گیری از طریق مسیر جاده ابریشم داشته‌اند و تعامل‌هایی بین هنر بودایی و اسلامی وجود داشته، بنابراین، ذهنیت طراحان دو کشور با سابقه تمدنی چند هزار ساله در انتخاب نمادها و نحوه طراحی نشان‌های ملی مطرح‌شان حایز اهمیت است. هدف پژوهش این است که، با روش توصیفی تحلیلی بر اساس مطالعات تطبیقی و با رویکرد تحلیل محتوا عناصر ساختاری نشان پهلوی و جمهوری چین را به‌وسیله طرح‌واره‌های تاملی برای تعیین میزان استفاده از نمادها و معانی و مفاهیم فراخوانده، مطالعه کند تا مضامین و آرمان‌های مشترک یا متفاوت فرهنگی و میثاق‌های سیاسی این دو کشور را به صورت تطبیقی در برهه زمانی منتخب استخراج کند. پرسش این‌که: دو کشور ایران و چین در بازه زمانی تقریباً یک‌سان، چگونه و به چه میزان از نمادها برای طراحی نشان‌های ملی، به هدف جهت‌دهی میثاق‌های ملی، سیاسی و مضامین اخلاقی استفاده کرده‌اند؟ پژوهش نشان می‌دهد: اگرچه دو نشان مذکور، عناصر ساختاری مشابه‌ای دارند، اما چین از مضامین آیینی بیش‌تری بهره برده و از عناصر طبیعی و حیوانی متعددی استفاده کرده است. نشان شیر و خورشید پهلوی مجموعه‌ای از مضامین میهن‌پرستانه، مذهبی و سلطنت‌محور را ارائه می‌دهد. نشان جمهوری چین مفاهیم سلطنت‌محور، میهن‌پرستانه و عقاید آیینی و مذهبی را با اشاره به پادشاه و ملکه، طالع‌بینی چینی، برابری زن و مرد، مفاهیم آرمانی چون اتحاد، برکت، حقیقت و معنویت، جاودانگی، طول عمر، سعادت، در پر تو سلطنت ارائه کرده است. در نتیجه عناصر ساختاری، نمادها و مضامین اخلاقی فراخوانده توسط عناصر نشان جمهوری چین بیش‌تر است.

واژه‌های کلیدی: نماد، نشان ملی، معانی، دوره اول پهلوی، جمهوری چین.

1-DOI: 10.22051/JJH.2022.40577.1802

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد ساجده نیکیان، با عنوان: تحلیل تأثیر زیباشناختی استعاره‌ها در نشان‌های ملی شش کشور جهان با رویکرد شناختی است.

۲- کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران. sajedah.nikian@semanan.ac.ir

۳- دانشیار گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران، نویسنده مسئول. f.afarin@semanan.ac.ir

ایران و چین همواره، در تلاش بوده‌اند تا با توجه به جایگاه ویژه خود در سطح منطقه و بین‌المللی، مناسبات دوجانبه خود را گسترش دهند. روابط میان دو کشور را می‌توان از ابعاد سیاسی، اقتصادی، استراتژی و نظامی در سطوح مطلوب ارزیابی کرد. این روابط به دلیل دارا بودن منافع دوسویه و برطرف‌سازی نیازهای دو کشور، طی سال‌ها ادامه داشته است. پیشینه روابط دوجانبه و پیوندهای تاریخی میان چین و ایران را می‌توان قبل از ظهور اسلام دانست. ایجاد جاده ابریشم فرصت مناسبی برای قوت‌بخشیدن به روابط موجود بوده و بازرگانان از این طریق به مبادله کالا می‌پرداخته‌اند. در این میان، بسیاری از هنرمندان و صنعت‌گران چینی نیز با سفر به ایران توانستند در خاندان ایلخانی صاحب‌مقام و منزلت‌والا شوند. مطابق با برخی از مستندات، بسیاری از اطباء چینی در بیمارستان‌های ایران به درمان بیماران می‌پرداختند و حتی علوم چینی در این دوره به زبان فارسی ترجمه می‌شدند. با وجود روابط گسترده، وقوع انقلاب اسلامی و ایجاد ایدئولوژی‌های متفاوت، چارچوبی متفاوت را به وجود آورد (حاکمی، ۱۳۷۶: ۱۰۱-۱۰۳). در این سال‌ها، با توجه به کم‌رنگ‌شدن روابط کشور چین با غرب، در پیچه تازه‌ای در جهت قوت‌بخشیدن به روابط سازنده با ایران شکل گرفت. صنعت رو به پیشرفت کشور چین تقاضای سوخت و نفت خام را از ایران افزایش داد و از این کار می‌توان با عنوان رابطه چین با خلیج فارس یاد کرد. در مقابل، کشور چین از طریق همکاری با شرکت‌های گسترده ایرانی روند پروژه‌های صنعتی، شهرسازی، انرژی، خودروسازی و حمل و نقل را در ایران تسریع کرد. هم‌چنین، می‌توان گسترش این روابط را در ورود زبان فارسی به دانشگاه‌های کشور چین دانست که برخی از استادان به آموزش این زبان می‌پردازند و با ترجمه پاره‌ای از متون ادبی هم‌چون شاهنامه فردوسی، گلستان و بوستان سعدی، رباعیات خیام و غیره، با بخشی از فرهنگ ایرانی ارتباط برقرار کرده‌اند (وجدی دستگردی و صالحیان دهکردی، ۱۳۹۷: ۲-۳).

حکومت پهلوی به‌عنوان آخرین دودمان پادشاهی ایران، پس از کودتای نظامی سوم اسفند ۱۲۹۹ ش. / ۱۹۱۰ م. و حمایت آشکار بریتانیا شکل گرفت. حکومت پهلوی را به‌طور کلی به دو بخش پهلوی اول با سلطنت رضاخان و پهلوی دوم با سلطنت محمدرضا شاه تقسیم می‌کنند. اقدامات رضاخان طی دوران سلطنت خود با هم‌سویی جریان روشن‌فکری

تجددخواه و حمایت قدرت‌های استعماری صورت گرفت. با وقوع جنگ جهانی دوم، متفقین ایران را اشغال کردند و با اولتیماتوم بریتانیا، پس از برکناری و تبعید رضاشاه در سال ۱۳۲۰ ش. / ۱۹۴۱ م.، پسر وی محمدرضا به‌عنوان پادشاه وقت انتخاب شد. در شهریور ۱۳۲۰ ش.، که محمدرضا پهلوی به جای پدر بر تخت سلطنت نشست، تا کودتای ۱۳۳۲ ش. / ۱۹۵۳ م. پادشاهی خویش را مدیون بریتانیا دانست و پس از آن، با ورود آمریکا به عرصه پشتیبانی، حمایت هر دو کشور را به همراه داشت. با انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ ش. / ۱۹۷۸ م.، طومار این دودمان بسته شد. خاندان پهلوی به مدت ۵۳ سال بر ایران حکمرانی کردند.

نشان ملی چین در بازه زمانی (۱۹۱۲-۱۹۲۷) و نیز امپراطوری چین (۱۹۱۵-۱۹۱۶) یکی است و از نظر بازه زمانی تقریباً هم‌زمان با شکل‌گیری حکومت پهلوی اول است. بنابراین، از آن‌جا که کاربرد نشان پهلوی اول تا سال ۱۳۲۰ ش. با دو نشان ملی جمهوری چین و امپراطوری چین هم‌زمان است و پیش از بنیان‌گذاری جمهوری خلق چین و انقلاب فرهنگی مکتب مائوئیسم اتفاق می‌افتد، نشان‌ها (تصاویر ۱ و ۲) قیاس شد. مائو در سال ۱۹۴۹ م. / ۱۳۲۸ ش. در دروازه تیان‌آمن جمهوری خلق چین را بنیان‌گذاری کرد. نشان جمهوری خلق چین تصویری از دروازه تیان‌آمن، یعنی دروازه ورودی به شهر ممنوعه، در یک دایره سرخ است. افزون‌براین، بزرگ‌ترین ستاره در میان آن، نمادی از حزب کمونیست چین و چهار ستاره کوچک‌تر، چهار طبقه اجتماعی تعریف شده در مائوئیسم را نشان می‌دهند. در انقلاب فرهنگی چین سال ۱۹۶۶ م. / ۱۳۴۵ ش. با سلطه افراطی مائوئیسم و سرکوب شدید مخالفان همین نشان ملی استفاده می‌شد. دو نشان انتخابی از ایران و چین، که از لحاظ ملی و بین‌المللی شناخته شده‌اند، در ادوار کنونی بررسی می‌شوند؛ تا مشخص شود چه اندازه در طراحی نشان‌های ملی به مضامین آیینی، مذهبی، نمادها و اساطیر ادوار تاریخی پرافتخار خود وفادار بوده‌اند و تا چه اندازه به تغییرات جدید تکنولوژیک، مظاهر انقلاب صنعتی و شمایل‌ها و نمادهای روز کشور‌های شان واکنش نشان داده‌اند. هم‌چنین، مطالعه نشان‌های ملی، می‌تواند راهگشای شناخت اهداف، آرمان‌ها و میثاق‌های مشترک احتمالی دو کشور باشد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر به روش توصیفی تحلیلی مبتنی بر مطالعه تطبیقی و با گردآوری اطلاعات به شیوه اسنادی، به بررسی نشان‌های ملی کشور ایران و چین پرداخته است. در همین راستا، ساختارهای ظاهری نشان‌ها از لحاظ طرح و رنگ توصیف شده و پس از آن با تجزیه ساختاری نمادها و تحلیل طرح‌واره‌ها مفاهیم مرتبط و معانی آن‌ها شناسایی گردیده است. در آخر، این جنبه‌های ساختاری، فرمی و معنایی در دو نشان با هم تطبیق داده شده‌اند. برای بررسی ارتباط مفاهیم و ساختار نشان از طرح‌واره تاملی استفاده شده است. از طرح‌واره‌های واسطه یا تاملی و دینامیسم‌های مکانی-زمانی موجودات مصور شده در نشان‌ها، برای شناسایی نماد کمک گرفته شده است. روش بدین صورت است که، مفاهیم و معانی آن‌ها و نیز عناصر بصری و نمادها را با یافتن طرح‌واره‌های واسطه و تاملی به هم مرتبط کند.

پیشینه پژوهش

مبانی نظری پژوهش حاضر و بحث درباره نمادها از میان مباحث کانت در نقد اول و سوم انتخاب شده که در هیچ یک از منابع به صورت عملی به کار نرفته است؛ اما آفرین (۱۳۹۸)، در مقاله «واکاوی و شرح نقش نماد در فلسفه و زیباشناسی کانت» به صورت مبسوط بحث مبانی نظری را شرح داده است. نقش شاکله‌ها در حین شکل‌گیری نماد مختل می‌شود و به واسطه تامل روی صورت نماد طرح‌واره‌ای خاص مینا قرار می‌گیرد که تاملی خوانده می‌شود. این وجه تمایز و کاربردی عملی نماد در این پژوهش دیده می‌شود. ذکا (۱۳۴۴)، در مقاله «تاریخچه تغییرات و تحولات درفش و علامت دولت ایران از آغاز سده سیزدهم تا امروز»، به طور متمرکز تنوع و تکثر نشان شیر و خورشید را تا دوران پهلوی بررسی کرده است. این مقاله دارای اهمیت تاریخی است. تفاوت پژوهش حاضر با مقاله در این است که، صرفاً به نشان شیر و خورشید بسنده نمی‌کند و تطبیق با نشان جمهوری چین با مبانی نظری مشخص را در اهداف خود قرار می‌دهد. مشهدی حاجی علی و نظری‌زاده (۱۳۹۴)، در مقاله «نماد خورشید در هنر ایران باستان»، سیر تطور نماد خورشید را از ادوار بسیار کهن بررسی کرده است. اطلاعات درباره نماد خورشید برای مقاله حاضر کافی نیست، زیرا صرفاً، یکی از ارکان نشان شیر و خورشید است. نائب‌زاده و سامانیان (۱۳۹۴)، در مقاله «ازدها

در اسطوره‌ها و فرهنگ ایران و چین» نقش مثبت و منفی این حیوان افسانه‌ای را در فرهنگ ایران و چین به صورت تطبیقی بررسی کرده‌اند. در صورتی که مقاله حاضر، دو نشان متفاوت با عناصر گوناگون را بررسی کرده است. اما این که پژوهش کنونی در مسیر درستی قرار دارد، به واسطه محتوای تحقیق سامانیان و نائب‌زاده ممکن شده است. تفاوت این که، پژوهش کنونی با مبانی نظری مشخصی معانی نمادها را در این دو نشان مطالعه کرده است. وجدی دستگردی و صالحیان دهکردی، (۱۳۹۷)، در مقاله «بررسی حضور چین در خلیج فارس از منظر سیاسی و اقتصادی با تاکید بر روابط چین و ایران»، به روابط توسعه‌طلبانه چین در ایران از بُعد سیاسی و اقتصادی پرداخته‌اند. پژوهش وجدی دستگردی و صالحیان دهکردی، با توجه به ارتباط‌های سیاسی و اقتصادی گذشته و کنونی دو کشور نشان می‌دهد که مقایسه نشان ملی این دو کشور در بازه‌های زمانی نزدیک دور از انتظار نبوده است. در نهایت این که، با این عنوان مشخص، به صورت پژوهشی تطبیقی و با اتکا به چنین مبانی نظری، پیشینه‌ای مشاهده نشد.

مبانی نظری

طرح‌واره‌ها یا شاکله‌ها تصور روش کلی تخیل ما برای ایجاد صورتی خیالی برای یک مفهوم انتزاعی و غیر ملموس است. شاکله‌ها اسکلت توخالی هستند (جانسون، ۱۳۹۵: ۹-۱۸). آن‌ها امکاناتی را فراهم می‌کنند، تا یک مفهوم بتواند صورت خارجی یابد؛ یا به‌وسیله ویژگی‌های جزئی مثالی پر شود. طرح‌واره‌ها، شکلی از ساختارهای مفهومی یا الگوهای ذهنی هستند که در تعاملات و تجارب فیزیکی انسان با دنیای خارج ریشه دارند و خود را با تجارب فیزیکی انسان هماهنگ می‌کنند. به عبارت دیگر، می‌توان آن‌ها را ساختارهایی ذهنی و انتزاعی دانست که مبتنی بر تجربه‌های عینی هستند. مفهوم به فهم تعلق دارد و مصداق به ادراک؛ ولی طرح‌واره‌ها، در حالتی بینابین قرار دارند. طرح‌واره‌های «سگ» یا «دایره هندسی» را از دو جهت می‌توان وجه نظر قرار داد: یکی این که، اسکلت یا قاعده‌ای برای ایجاد صورت خیالی است و دوم این که، صورت تخیلی است که بر طبق آن قاعده ایجاد می‌شود. طرح‌واره‌ها از جهت اول، با فهم مرتبط هستند و از جهت دوم، با ادراک؛ و به برکت این ارتباط با پیوند مضاعف می‌توانند مفهوم «سگ» را به گرگی خان و مفهوم «دایره

هندسی» را به فلان بشقاب گرد پیوستگی دهند (کورنر، ۱۳۸۹: ۲۰۵). وقتی یک مفهوم به تصویر اطلاق می‌شود، به واسطه طرح‌واره‌ها این کار انجام می‌شود. جهت از مفهوم به تصویر را طرح‌واره تعیین می‌بخشد.

طرح‌واره‌ها فرمول یا قاعده تولید هستند. آن‌ها را می‌توان به انحاء مختلف بیرون کشید و تقسیم‌بندی کرد؛ برای نمونه، بر اساس پویایی‌های مکانی-زمانی موجودات در قلمرو یا نحوه‌های پر کردن مکان-زمان توسط آن‌ها تعیین می‌شوند. تصویر یا مصداقی از این طرح‌واره‌ها در ارتباط با مفهوم اولیه بیرون کشیده می‌شود که خود به‌عنوان نماد، مبنای تامل می‌شود، برای یافتن معانی برای مفهومی ثانی که نسبت به معنای اولیه فاصله‌ای دارد. طرح‌واره‌ها، به تولید تصویری از مفهوم تجربی شیر منجر می‌شوند. بنابراین، گاهی با همین رویه تشخیص طرح‌واره‌ها - که روش مستقیم ارتباط مفاهیم با تصویرشان است - با تامل روی مصداق یا تصویر مفهوم اولیه و در نظر گرفتن آن به منزله نماد می‌توانیم معانی برای مفهومی ثانی پیدا کنیم. در باب مفهوم تجربی شیر مثل نحوه رفت و آمد به یک قلمرو، تکان دادن یال در باد، نحوه مبارزه با خطر، از پای در آوردن طعمه (Deleuze, 1987) روی تصویر شیر به‌عنوان نماد تامل می‌شود.

به نحو ثانی از نحوه تجربه زندگی شیر در قلمروش نمادی پدیدار می‌شود که مفهوم دیگری را فرا می‌خواند. پرسش این است: نمادها در هنر چه موقع ساخته می‌شوند؟ پاسخ اول این که، وقتی می‌خواهیم برای بیان زیباشناختی ایده‌های عقلانی مثل خدا، نفس، جهان یا مفاهیم اخلاقی، آزادی، عدالت و ... که مصداق یا شهودی ندارند، صورت تجسمی پیدا کنیم. برای رسیدن به آن، به جای طرح‌واره‌ها، که روش مستقیم ارتباط مفاهیم با تصاویر است، مسیر غیرمستقیم نماد طی می‌شود و شبه طرح‌واره‌ای ساخته می‌شود که طرح‌واره تاملی می‌نامیم. برای نمونه، ما تصویری برای عدالت نمی‌کشیم به کمک ایده زیباشناختی، یعنی بیان زیباشناختی ایده عقلی عدالت نماد می‌سازیم. برای ترازو این نماد ساخته شده از عدالت، شهودی مبنا قرار می‌گیرد که قاعده آن رویه، از حیث صورت تامل شبیه شاکله است و بر آن شهود مبنا از طریق نماد تامل می‌شود (Kant, 1987, §59: ۲۲۶).

هنر، ایده‌های زیباشناختی را بیان می‌دارد. ایده زیباشناختی در تصویر یا ترکیب تصاویری به ثمر می‌نشیند که ماده‌ای

برای شهود خلق می‌کند و دست‌ماپه‌ای برای اندیشیدن فراهم می‌آورد و به تامل وا می‌دارد. ایده زیباشناختی می‌تواند در قالب نمادها به تامل وادارد. صورت زیباشناختی به جای آن که ایده را در طبیعت به صورت غیرمستقیم نشان دهد، آن‌را به طرز ثانوی با آفرینش تخیلی طبیعتی دیگر در هنر بیان می‌کند. غروب کردن به منزله طرح‌واره خورشید می‌تواند با تامل روی غروب کردن به منزله نماد، مفهوم دیگری چون مرگ را فراخواند. همین غروب یا طلوع کردن اگر به منزله پویایی یا رفت‌وآمد خورشید در زمان و مکان تصویر شود، مفهوم دیگری غیر از خورشید یعنی مرگ را با تامل بر همان مفهوم اول یعنی خورشید فرا می‌خواند (آفرین، ۱۳۹۸: ۱۱) این نمادها صرفاً، در هنرهای زیبا ساخته می‌شوند. در حالت ترکیبی عقاب ژوپیتز به‌عنوان یک نمایش ثانوی باز نمودی از مفاهیم عقاب، چنگال و آذرخش است که با هم ترکیب شده‌اند و تمامیت آن فراتر از مرزهای تجربه می‌رود، فراتر از مفهومی معین، ایده عقلی بدون شهودی مثل پادشاه بهشت را برمی‌انگیزد (دیکی، ۱۳۹۶: ۲۲۹).

در طراحی نشان‌های ملی کشورهای مختلف از نمادهای ادوار پرافتخار تاریخی آن استفاده شده است. برخی کشورهایی که سابقه تمدن‌های چند هزارساله‌ای را به دوش می‌کشند، برای طراحی نشان‌های پراهمیت‌تر ملی از آیین‌ها یا موجودات یا عناصر طبیعی موجود در سرزمین خود یا شخصیت‌های اساطیری و تاریخی‌شان نماد ساخته‌اند.

یافته‌ها

نشان‌های پهلوی ایران و جمهوری چین

شناخته‌ترین نشان ایرانی تا دوره پهلوی، نشان شیر و خورشید است. پشت سر شیر، خورشید در حال طلوع دیده می‌شود که اشعه‌های آن از سر شیر تجاوز نمی‌کند و بدنه خورشید نیز از کمر شیر فراتر نمی‌رود (تصویر ۱). این دو عنصر در ترکیب مرکزی نشان قرار گرفته‌اند؛ و حول آن‌ها را دو شاخه گیاهی از بلوط و زیتون احاطه کرده است. این دو شاخه در قسمت انتهایی به وسیله دو روبان قرمز رنگ به یکدیگر متصل شده‌اند. بالاترین بخش نشان هم تاج پهلوی قرار دارد که به دستور رضاشاه پهلوی ساخته شده و در تاج‌گذاری او و جانشینش، به کار رفته است.

به نقش شیر و خورشید به صورت تک و جدا از یکدیگر توجه شده است. در اساطیر ایرانی، خورشید چشم اورمزد و همراه با

ماه، شهریار روشنایی تلقی می شده است؛ تیرگی ها را نابود می کرده و دنیا را از شر دیوان محافظت می نموده است. در میان زرتشتیان، خورشید پاک کننده و مطهر است و در اکثر فرگردها، به کاربرد خورشید مبنی بر پاک کردن نجاسات اشاره شده است. خور پهلوی یا هور اوستا در یشت ششم به عنوان خورشید-ایزد به هم پیوسته بودند. شیر از معابد این خورشید-خدا محافظت می کرده. از دوره هخامنشی مَهری برجای مانده که مهر را با اشعه های خورشید روی شیری نشان می دهد که در برابر یکی از پادشاهان هخامنشی قرار دارد. بعدها این عبری پیوستگی این دو عنصر را نتیجه عشق فراوان کیخسرو سلجوقی به همسر خود عنوان کرده است. کیخسرو در ابتدای امر، قصد داشته تا چهره همسر خود را روی سکه ها ضرب نماید؛ اما با توجه به منع پیکرنگاری انسان در دین اسلام، با نظر یکی از اطرافیان، پیکر شیر را روی سکه ضرب نموده و بر آن چهره هم چون خورشید شاهرزاده را به تصویر کشیدند. آن ها در پاسخ به دیگران، این نقش را طالع پادشاه توصیف نمودند که در زمان تولد او، خورشید در برج اسد (شیر) قرار داشته است (علیزاده بیرجندی، حمیدی و ملک زاده، ۱۳۹۶: ۹۳)؛ تا دوره قاجار این نقش روی درفش ها و پرچم ها به اشکال مختلف به کار رفته است. دوران قاجار با قدمتی طولانی، پادشاهان متعددی را به خود دیده که هر کدام سیاست های خاص خود را در اداره مملکت داشته و به تبع آن، نشان شیر و خورشید را به عنوان معرف حکومت تغییر داده اند. ناصرالدین شاه در دوره قاجار، با توجه به در دست داشتن گزارش نشان های ملی پروس و روسیه تلاش کرده به شیر و نشان های مختلف سامان دهد (همان: ۸۰).

با روی کار آمدن حکومت پهلوی و در زمان سلطنت رضاشاه، دستور داده شد تا از ترسیم چهره آدمی بر روی خورشید خودداری شود و تنها به فرم دایره ای آن اکتفا گردد. تغییر تاج کیانی در بالای نشان شیر و خورشید به تاج پهلوی در سال ۱۳۰۸ ش. نیز از دیگر تحولات عینی در این نشان است (شاه علیان، ۱۳۹۴: ۱۶۷). با توجه به این که، تا قبل از سال ۱۳۳۶ ش.، اختیار شیر و خورشیدها در دست چاپخانه ها بود و هر چاپخانه ای هنگام چاپ، هر نوع شیر و خورشیدی را که در دسترس داشت و به هر وضعی که نقاشی و طراحی شده بود، به کار می گرفت، بدین گونه این اختلافات و بی نظمی ها باعث شد تا در زمان سلطنت محمدرضاشاه در سال ۱۳۳۶ ش. و سپس، در سال ۱۳۳۷ ش. تصویب نامه هایی در زمینه یکسان سازی نشان مربوطه به اجرا درآید. بر اساس

این تصویب نامه، ترسیم شیر نر یال دار و ایستاده نگاهی تمام رخ به مقابل دارد؛ به گونه ای که سر شیر به سمت چپ و شمشیر به طور عمودی در دست راست شیر باشد و دست راست او به صورت قایم نسبت به بدنش قرار گیرد. پای راست شیر جلوتر از پای چپ او و دم آن به شکل قلاب کمر (اس ایتالیک) با یک خم به طرف بالا خواهد بود. خورشید به طور نیم قرص، بخش گردن تا انتهای کمر شیر را در بر گرفته و اشعه های ساطع شده از آن بدون تجاوز به سر شیر به سمت بالا حرکت می کنند. هم چنین، با تغییرات حاصله نسبت به زمان قاجار، چهره آدمی منقوش بر روی خورشید حذف شد و دایره مرکز عاری از هر شکل و علامتی گردید. حلقه قرار گرفته حول علامت شیر و خورشید، هم چون دوره قاجار، دو شاخه از درخت زیتون و بلوط است که در انتها با گره ای به یکدیگر بسته شده اند و میوه آن ها از میان برگ ها قابل مشاهده است. زیر پای شیر، خط افقی صافی قرار دارد که از انتهای پای چپ او شروع و تا قبضه شمشیر امتداد می یابد. در نشان های شیر و خورشید منعکس شده در برخی اسناد و مراکز نیز، تاج پهلوی در بالاترین نقطه مرکزی نشان، بر بالای شیر و خورشید و در احاطه برگ های بلوط و زیتون دیده می شود (ذکاء، ۱۳۴۴: ۲۱-۲۵). پس از آن، تمامی نشان های شیر و خورشید یک گونه ظاهر شدند. به واسطه هم سان سازی، مجموعه ای از عناصر طبیعی- حیوانی و گیاهی- و ابزار و ادوات با کاربردهای متفاوت در فضای واحد قرار گرفتند (همان: ۳۳).



تصویر ۱- نشان ملی متعلق به حکومت پهلوی (URL3).

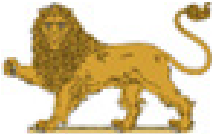





نمادها، طرح‌واره‌های تاملی و معانی در نشان دوره اول پهلوی

در جدول ۱، به ترتیب، طرح‌واره‌های تاملی در نشان شیر و خورشید تحلیل شده‌اند. شیر یال‌دار آفریقایی با زیبایی خاص و با حالتی انسان‌گون به واسطه تامل روی اعمال قدرت بر حیوانات در قلمرو خود، نماد قدرت، شجاعت و برتری است. اعمال قدرت شیر در قلمرو، مضامین و معانی موازی مانند شهریاری و دلاوری، شکوه پادشاهی و پیروزی را القا می‌کند و درندگی این حیوان معنی نگهبان را برای شیر به‌منزله نماد به همراه دارد. از این‌روی، قرارگیری آن در کنار پادشاهان معانی چون سلطنت، شجاعت و قدرت را با خود درآمیخته است (علیزاده بیرجندی، حمیدی و ملک‌زاده، ۱۳۹۶: ۹۰). خورشید به‌واسطه تامل روی طلوع همیشگی و روشنایی و تابش همه‌گیر آن، نماد امپراتوری گسترده بر جهان یا پادشاهی و سلطنتی فراگیر و مستدام است. خورشید در خانه شیر اصطلاح معروفی است که بر اوج شرف، اعتلا و درخشندگی دلالت دارد. زیتون به واسطه تامل روی بخشی از ویژگی‌های زیستی آن سبزی دایمی، نماد قداست، زکیه، برکت، صلح، پیروزی و بلوط به‌واسطه تامل روی بعدی از پویایی‌های زمانی و مکانی آن، یعنی دوام، ماندگاری و استحکام چوب درخت، به‌منزله نماد وحدت، باروری، امنیت، طول عمر، استقامت و فداکاری به کار می‌رود. پادشاه و خوش‌یمنی و باروری که همراه زیتون با تاکید بر سبز بودن همیشگی آن، به معنی شکوه، صلح، جادوانگی و همراه بلوط به معنی باروری و زندگی می‌آیند، مجموعه کاملی را نمایش می‌دهند. بلوط با خدایان گوناگون باروری پیوند دارد. دلایلی این چنین در نهایت درخت بلوط را به درخت زندگی تبدیل کرد (Leroy, Plomion and Kremer, 2020: 943). شمشیر به سبب کاربرد در جنگ‌ها و وسیله‌ای برای محافظت شخصی و جمعی در برابر هجوم و حمله بیگانگان و دشمنان و تلاش و رقابت برای انتخاب مستحکم‌ترین شمشیر توسط شاهان به‌واسطه تامل بر استحکام و برندگی نماد استقامت و پاسداری و دفاع است. شمشیر به جهت داشتن تیغه‌ای بلند، جنبه مردانه دارد. به‌عنوان ابزاری مردانه نمادی از قدرت پادشاه و توان نظامی است. در نشان شیر و خورشید، اولین نشانه از شمشیر در دست شیر، اشاره‌ای به شمشیر ذوالفقار حضرت علی (ع) و رشادت‌های وی دارد.

تاج پادشاهان از عهد سلطنت قدیم دو پر برافراشته شترمرغ داشتند. تاج آتف^۱ که اوزیریس بر سر می‌نهاد، ترکیبی از تاج

سفید و پرهای دوگانه و قرص کوچک خورشید بود (هال، ۱۳۸۰: ۲۳۴). تاج پهلوی، کلاهی است که پادشاه به جای دستار آراسته به بته‌جقه و پرهایی در تاهای آن در دوره صفویه و تاج کیانی قاجاری روی سر می‌گذارند و ترکیبی از یک کلاه مخمل و تاج مدور کنگره‌دار به نظر می‌رسد. کلاه مخمل حالت سیلندری دارد و با فرمی شبیه تاج‌های کنگره‌ای مخصوص پادشاهان آراسته شده است. در تاج پهلوی عناصر پر و کنگره و خورشید با هم دیده می‌شود. جقه پایه‌دار اسلیمی، در پشت کنگره قرار می‌گیرد که بر پشت آن پر حواصل کاشته شده است. پر تاج پهلوی، ضمن اشاره به پر دستار پادشاهان صفوی، آن را به نمونه‌های نخستین کلاه شاهی، یعنی تاج آتف نزدیک‌تر می‌کند. جواهرهای تاج، مشتمل بر الماس، الماس زرد برلیان، یاقوت، زمرد و مروارید طبیعی تزیینات پادشاهی هستند که تنها در مراسم تاج‌گذاری به‌منزله نمادهایی از اقتدار نمادین و زمان مند استفاده می‌شوند (بروس میتفورد، ۱۳۹۴: ۲۲۷). رنگ قرمز تاج پهلوی شبیه رنگ قرمز لباس برخی از شاهان هخامنشی و رنگ کلاه شاهان ساسانی است. هم‌چنین، رنگ قرمز مخملین تاج با رنگ خورشید مشعشع و پرتوهای الماس‌نشان و الماس زرد برلیان وسط آن تناسبی زیبا، ایجاد می‌کند. خورشید به‌واسطه تامل روی تابش همه‌گیر آن و طلوع هر روزه، مضامینی چون عمر جاودانه و جلال سلطنت را در تاج زنده نماید (سراوانی، ۱۳۹۴: ۱۲). تاج به‌واسطه تامل روی نقش آن، یعنی محافظت از سر، مغز و بلندتر کردن سر، به‌عنوان نماد مرکز و اصل بودن سلطنت پادشاهی، درایت و تدبیر پادشاه، منبع نیرو و قدرت عقلانی را معنا می‌دهد. طرح‌واره‌های شیر و خورشید با مفاهیمی چون قدرت، اقتدار و ایستادگی، تاییدکننده تعداد زیادی از معانی نمادهای پیشین است. به‌طور کلی، نقوش موجود در نشان‌ها مشتمل بر نمادهای ملی، مذهبی و اسطوره‌ای و گاهی، تلفیقی از این نمادهای سه‌گانه است (علیزاده بیرجندی، حمیدی و ملک‌زاده، ۱۳۹۶: ۹۴).

جدول ۱. بررسی عناصر نمادها و معانی آنها در نشان ملی شیر و خورشید (نگارندگان) (تصاویر URL3).

| دوره | مبدانماد | مفهوم اولیه | به واسطه تأمل روی..... | مقصد نماد و مفهوم ثانوی |
|-------|---|----------------------------------|---|--|
| پهلوی |  | شیر نریال دار با حالتی انسان گون | اعمال قدرت بر حیوانات در قلمرو | قدرت، شجاعت، برتری |
| |  | خورشید | طلوع و روشنی وسیع و یکباره و تابش همه گیر | دوام پادشاهی و سلطنت |
| |  | زیتون | همیشه سبز | قداست، زکیه، برکت، صلح، پیروزی |
| |  | بلوط | قدرت و استحکام چوب درخت | وحدت، باروری، امنیت، طول عمر، استقامت و فداکاری |
| |  | شمشیر | استحکام و برندگی و قاطعیت | استقامت و پاسداری و دفاع |
| |  | تاج طردهار | محافظ سر و عقل و بلندتر کردن سر | سلطنت پادشاهی، درایت و تدبیر پادشاه، منبع نیرو و قدرت بیش تر |

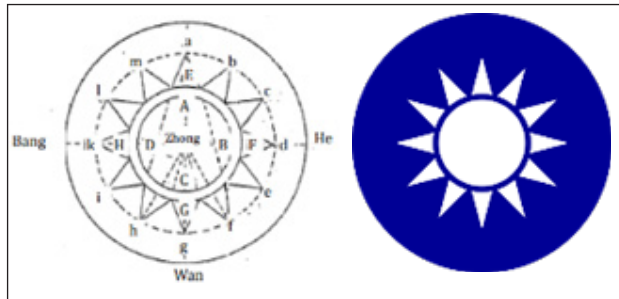
طرح اژدها و ققنوس

طرح اژدها و ققنوس اولین نشان ملی است که پس از تاسیس جمهوری چین به تصویب رسید. لوشو ون^۲ در سال ۱۹۱۲م. (سال اول جمهوری چین)، زمانی که رییس بخش آموزش اجتماعی وزارت آموزش و پرورش بود، آنرا تهیه کرد، روند تصویری کردن نشان های لباس های امپراطوران را طی کرد (تصویر ۷) و سال بعد در «ماهنامه دفتر تدوین وزارت آموزش و پرورش» آنرا منتشر نمود (URL2). نشان ملی جمهوری چین (تصویر ۲) به کار رفته در بازه زمانی (۱۹۱۲-۱۹۲۷) و نیز امپراطوری چین (۱۹۱۵-۱۹۱۶) در بردارنده مجموعه ای از عناصر حیوانی، گیاهی و ادوات مختلف است.



تصویر ۲- نشان جمهوری چین (URL6).

پس از سال ۱۹۲۷ م، نشان ملی چین با تغییراتی اساسی ظهور کرد. این نشان (تصویر ۳)، در قالبی ساده شده نسبت به نشان پیشین خود به کار گرفته شد. آن چه دیده می شود، پس زمینه ای با رنگ آبی تخت که در مرکز آن، یک خورشید سفید رنگ با تعداد ۱۲ پرتو نوک تیز قرار گرفته است. پرتوهای ۹۰ درجه باید جهت های جغرافیایی شمال، جنوب، شرق و غرب را نمایش دهند و سایر پرتوها با فواصلی یکسان میانه آن ها کشیده شوند (URL5).



تصویر ۳- نشان جمهوری چین و الگوی ترسیم آن (URL5).

از اجزای نشان جمهوری چین می توان به یک اژدهای لاجوردی در سمت راست (تصویر ۲) اشاره کرد که روی لبه تیغ یک تبر قرار گرفته است. در اشعار چینی، اژدها مرکبی در خدمت امیرزادگان است. اصل اژدهای چینی به طور قطعی مشخص نیست؛ اما عده ای معتقدند که نشات گرفته از توتم قبایل مختلف چین است. بعضی دیگر اعتقاد دارند که، حاصل ترکیب حیواناتی چون کروکودیل و مارماهی است. نظر دیگری نیز وجود دارد که بیان می کند، اژدهای اولیه گونه ای از بزرگ ترین خزنده جهان، یعنی تمساح بوده است. با وجود تمام این اشارات به اژدها، امپراطوری سونگ^۳ در سال ۱۱۱۰ م. تمام اژدهایان را به پنج گروه تقسیم کرد: اژدهایان آبی رنگ دارای روح سلاطینی هستند و سوگند را با روی خوش می پذیرند. اژدهایان سیاه رنگ، سلاطین دریاچه های مرموز هستند؛ اژدهایان زرد مظهر قدرت و تجلی الهی و اژدهایان سفید روح سلاطینی پاک و با فضیلت هستند (نایب زاده و سامانیان، ۱۳۹۴: ۲۵۰-۲۵۵).

اژدهای لاجوردی در دوره سلسله چینگ روی پرچم ملی قرار داشت. در سمت مقابل، پرنده سرخ اسطوره ای و مقدس چینی ها به نام فنگ هوانگ

(ققنوس چینی)، در لبه دیگر تبر ایستاده است. تنه این پرنده به رنگ سرخ، دم او متشکل از دورنگ زرد و سبز و بال و سر و گردن آن زرد است. ترکیبی از قرقاول، طاووس و دُرنا است که اصولاً به منزله یکی از چهار نگهبان جهان بر ربع جنوبی در تابستان حکم فرمایی می کرد (هال، ۱۳۸۰: ۷۶). در میان یکی از پنجه هایش، گیاهی را که احتمالاً، گونه ای از گیاهان آبی و جلبک هاست- نگه داشته و یک شاخه آن را نیز به نوک گرفته است. بدن فنگ هوانگ از نوک خروس، صورت پرستو، پیشانی مرغ، گردن مار، سینه غاز، پشت لاک پشت، نیم شقه گوزن و دم ماهی شکل گرفته است. اژدها و فنگ هوانگ، زونگی را در دست دارند. در سمت راست نشان و پشت شاخ های اژدها، هلال ماه رویت می شود. در پشت سر پرنده فنگ هوانگ نیز سه ستاره قرار دارد. بین این دو حیوان، تاج به نشان از خورشید دیده می شود. در مرکز و بین اژدها و فنگ هوانگ تبری قرار دارد. روی تبر نقش بسته در مرکز نشان، کوه های مقدس با خطوط منحنی تصویر شده و روی آن، دایره هایی ریز وجود دارد. نوار زرد رنگ در پایین نشان، اتصالی میان اژدها، تبر و پرنده سرخ به وجود آورده است. علامت فو (☳ fu) و وسط نوارهای پیچیده ای قرار دارد که اژدها، ققنوس و تبر را به یک دیگر متصل می کند.

نمادها؛ طرح واره های تاملی و معانی آن ها در نشان جمهوری چین

در جدول ۲، به ترتیب طرح واره های تاملی بررسی شده اند. طرح اژدها و ققنوس برگرفته از دوازده فصل باستانی^۴ است که عبارتند از: خورشید، ماه، ستاره، کوه، اژدها، حشرات چینی، زونگی، جلبک، آتش، برنج، عقرب و نشان fu. رعایت ساختار مرکز-حاشیه سبب ایجاد گرایش به آیین های سلطنتی با تاکید به سلطنت می گردد. در همین راستا، قرارگیری نیروی مونث (بین) فنگ هوانگ در مقابل نیروی مذکر (یانگ) اژدها را نشان می دهد که می تواند نشانه ای بر پادشاه و ملکه باشد که بر مرکز منابع طبیعی، صنایع و پیشه ها، بر نیروی طبیعی و انسانی

مسلط هستند و نیروی‌های اسطوره‌ای را می‌توانند دوباره در قالب اتحاد کشاورزان و کارگران احیا کنند. اژدهای لاجوردی در سمت راست نشان را می‌توان صاحب قدرت معنوی و روحانی و نشان باستانی اسطوره‌های شرقی، به خصوص چین و جزء لاینفک موضوعات هنر چین دانست. اژدها با خدایان، جاودانگی و امپراطوری در ارتباط است. چینی‌ها اژدها و امپراطور را با یکدیگر مرتبط می‌دانستند و این امر، اساس شکل‌گیری بسیاری از اسطوره‌ها شده است. اژدها نمادی از مهارت امپراتوران در رسیدگی به امور ملی و آموزش به موقع به مردم است (URL1). در این نشان، اژدهای لاجوردی به واسطه تامل بر روح سلاطینی و نقش آتش در کنار آن و پاکي، قدرت پرواز و معنویت، به سلطنت و پادشاهی و نیروی مذكر و فضیلت اشاره دارد (هال، ۱۳۸۰: ۳۶۰). اژدها نماد الهام‌بخشی فضیلت پادشاه به اتباعش است. در سمت مقابل اژدها، فنگ هوانگ (ققنوس چینی)، اشاره‌ای به قرقاول در لباس امپراطور دارد. قرقاول، نمادی از میل پادشاه برای «قابل توجه بودن در استعداد ادبی» است (URL1). طبق روایات اسطوره‌ای، ویژگی‌های فنگ هوانگ عبارتند از:

۱. نماد خورشید است؛
۲. دشمن مارهاست؛
۳. در بردارنده عنصر مادینگی و نماد ملکه است؛
۴. غذای او عصاره گیاهان و عطر کندر است؛
۵. تاجی از پره‌های باشکوه دارد. این پرنده در چین جزو چهار حیوان تخیلی و با قداست به لحاظ معنوی و روحی است که بین و یانگ را متحد می‌سازد. هم‌چنین، او را یاری‌رسان کشاورزان می‌دانند که با اشک خود زخم‌ها را التیام می‌بخشد (علیخانی، اکبری و نژاد ابراهیمی، ۱۳۹۷: ۶۱). به واسطه زیبایی، کمال‌گرایی با تکیه به قدرت روحانی و التیام‌دهندگی نماد ملکه، نماد مونث، بین، جاودانگی و نیز نمادی از سرمشقی عالی است. گنجاندن فنگ هوانگ در نشان ملی، در مقابل اما برابر با اژدها، می‌تواند به عنوان نمادی از مشارکت زنان با مردان در امور سیاسی و نمایشی بصری و تکان‌دهنده از حقوق زنان در چین جدید باشد. يك قاب دایره‌ای

همه عناصر را محاط کرده است و نشان از تسلط پادشاه و ملکه بر شرق و غرب منطقه جغرافیایی با حدود مشخصی دارد. به نظر می‌رسد، مفهوم دیاسپورا و مرزهای لغزان به واسطه این نشان القانمی شود. درون و بیرون نشان، از میل به وحدت و اتحاد درونی سخن دارد.

اژدها و فنگ هوانگ در میان پنجه‌ها زونگی^۵ دارند. در زینت‌های چینی زونگی یک ظرف قربانی باستانی است که معمولاً، یک جفت است و با ببر و عقرب (یک میمون دم بلند) (تصاویر ۴ و ۶) منقش شده است. زونگی نمادی از فضیلت امپراطور در وفاداری و فرزندپرستی است (URL1). دو جام به واسطه پیوند با جست و جو، تطهیر شدن نماد پاکیزگی و بی‌طرفی است (هال، ۱۳۸۰: ۳۶۰). به طور کلی، اعتقاد بر این است که تنها کسانی می‌توانند به جام برسند که به درجه‌ای از معرفت رسیده باشند. ماهیت جام این‌گونه است که، تنها توسط یک فرد پاک، ارزشمند و نجیب به دست می‌آید. در اروپا، از جام به عنوان نمادی از قلب انسان یاد می‌کردند (Cirton, 2001: 43).



تصویر ۴- نشان‌های آیینی چین که در لباس امپراطور به کار می‌رفته است (URL5).



تصویر ۵- دوازده نشان مناسب (URL4).

به خرگوش دیده می‌شوند، به ماه مرتبط شده‌اند. ماه به واسطه منزل به منزل شدگی مدام، پیش‌روی تا حد ناپدیدي و پدیدار شدن مجدد نماد بی‌مرگی است. افسانه‌های کهن بر این باورند که خرگوشی در ماه زندگی می‌کند و اکسیر جاودانگی را در هاوونی می‌کوبد. خرگوش به واسطه سرعت و تعدد زاد و ولد استعاره‌ای از باروری و شهوت یا نشان غلبه بر شهوت است (همان: ۴۶). در پشت اژدها، آتش قرار دارد. آتش در لباس امپراطور نماد این است که او امور دولتی را به شیوه‌ای درست اداره می‌کند (URL1). خدای چینی چو جونگ^۶ خدای آتش است (هال، ۱۳۸۰: ۱۹۸). افزون‌بر این، آتش^۷ نرینه است و بر شور و شوق دلالت دارد. نمادهای مثبتی چون خشم، خطر، سرعت، شهوت و عشق به فضیلت دارد. فنگ هوانگ علف‌های حوض یا جلبک‌ها را در جنگال راست خود به نشان از پاکي و روشنایی و به واسطه قلمرو جلبک در آب نگه می‌دارد. جلبک نماد پاکیزگی و خلوص امپراطور است (URL1). پشت سر او، سه ستاره وجود دارد که می‌توانند ستاره‌های فو، لو و شو باشند. ستاره‌های فو، لو و شو به ترتیب به مشتری، خورشه ستاره‌ای و ستاره قطب جنوب اشاره دارند. آن‌ها را خدایانی می‌دانستند که در وقایع و بر مردم اثر می‌گذارند (هال، ۱۳۸۰: ۲۱۰). از این‌رو، اشاره‌ای به شادی، رفاه و طول عمر دارند. خدایان سه ستاره در اساطیر چینی مهم تلقی می‌شوند. در زینت‌های چینی سه ستاره دنباله‌دب اکبر را نشان می‌دهد که منبع بخشنده‌گی و عشق بی‌پایان امپراطور است (همان: ۳۶۰).

در پشت اژدها و فنگ هوانگ، تاج در بالا به صورت انتزاعی قرار دارد و نشان دهنده خورشید و کلاغ سه پا است و با چرخ سه پر قرابت دارد. پیوستگی این پرنده با خورشید و تعداد نابرابر پاهایش آن را یانگ می‌کند (هال، ۱۳۸۰: ۸۳). تاج یا خورشید انتزاعی به واسطه دوار بودن و سه دایره متداخل، تاج‌دار بودن محیط بیرونی نماد نیروی حیات، جوانی و میل نفسانی است و به علاوه، این جرم آسمانی درخشان، به عنوان علامت سلطنت، امپراطوری و مظهری از فر و شکوه شاهی شناخته می‌شود. به همین جهت، چینی‌ها آن‌ها را نماد یانگ امپراطوری می‌دانستند. اجرام سماوی، صور فلکی و اشکال آن‌ها عمر جاوید و خوش‌یمنی برای ملکه و پادشاه رقم می‌زنند. پشت سر اژدها، ماه در ارتباط با خرگوش صحرائی دیده می‌شود. از آن جاکه لکه‌های روی ماه شبیه

جدول ۲. بررسی عناصر نمادها و معنای آن‌ها در نشان جمهوری چین (نگارندگان) (تصاویر URL6).

| دوره | حوزه مبدای نماد | مفهوم اولیه | به واسطه تامل روی..... | حوزه مقصد یا مفهوم ثانویه |
|------------------------------|-----------------|----------------------------|--|---|
| جمهوری چین (۱۹۱۲-۱۹۲۷) | | حیوان افسانه‌ای اژدها | روح سلاطینی و نقش آتش، پرواز و عنصر معنویت | سلطنت، پادشاهی، نماد مذکر، یانگ، جاودانگی، الهام‌بخش فضیلت به اتباع، اصل فعال |
| امپراطوری چین (۱۹۱۵-۱۹۱۶) | | تلفیق قرقاول، طاووس و درنا | به واسطه زیبایی، کمال متکی به تلفیق و قدرت التیام بخشی و قدرت روحانی | ملکه، نماد مونث، بین، سرمشق عالی |

| | | | | |
|---|--|-----------------------------------|---|--|
| پایداری و ثبات | به واسطه استواری و برجستگی و بلندی | کوه مقدس |  | جمهوری چین (۱۹۱۲-۱۹۲۷) و امپراطوری چین (۱۹۱۵-۱۹۱۶) |
| حقیقت والا، روشننگری، پاکیزگی و بی طرفی | به واسطه پیوند با جست و جو، تطهیر شدن | جام |  | |
| بی مرگی، نماد مونت، اصل مفعولی | منزل به منزل شدگی مدام، پیش روی تا حد ناپدید و پدیدار شدن مجدد | ماه |  | |
| خدایان اساطیری، طول عمر، سعادت، ریاست، بخشندگی و عشق پایان ناپذیر | درخشندگی، ترکیب سه گانه ستارگان و مجمع الکوآکب | ستاره |  | |
| خورشید و کلاغ سه پا درخشش، روشنی، و یانگ | دوار بودن و سه دایره متداخل، تاج دار بودن محیط بیرونی | خورشید و تاج انتزاعی |  | |
| تمایز میان درست و غلط | 卍 به واسطه تضاد | الفا کننده دو چیز متضاد پشت به هم |  Fu | |
| پاکی و روشنایی | به واسطه زیست در قلمرو آب و خاصیت پاک کنندگی آن | جلبک |  | |
| حفاظت از غلات، عدالت | نقش قاطع برندگی و قطع کنندگی ابزار تنبیه | تبر |  | |
| برکت و حاصل خیزی، فراوانی | کاشت و برداشت گسترده و فراوان | برنج |  | |

است (URL1). مرکز سر تبر که توسط یک پنج ضلعی قاب شده است، نماد ساده شده یک خوشه برنج وجود دارد که به واسطه کاشت و برداشت گسترده و آیینی بر اهمیت کشاورزی به عنوان پایه ثروت و شکوفایی و فراوانی کشور تاکید می کند. هم چنین، می توان

روی تبر نقش بسته در مرکز نشان، خطوطی منحنی و دایره هایی ریز وجود دارد. تبر به واسطه طرح واره تاملی نقش برندگی و قطع کنندگی در مقام حافظ غلات است و آن را در معابد برای محافظت هم دفن می کردند. شکل تبر، نمادی از توانایی و شجاعت امپراتور در انجام کارها

آن را اشاره‌ای به جامعه‌ای نسبتاً مرفه دانست. عناصر درونی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند. به‌گونه‌ای که در مرکز نشان تبری قرار دارد که روی آن خوشه‌ای برنج در پنج ضلعی جای گرفته است. دانه‌های برنج، نماد حمایت شاهنشاه از مردم، ثبات کشور و تأکید بر کشاورزی است (URL1). تبر وارونه شده با نقش‌هایی که روی آن است، چهار کوه مقدس چینی را در مرکز نشان نمایش می‌دهد. بنابراین، اهمیت زمین، کشاورزی بر روی آن و حفاظت از غلات در این امپراطوری دیده می‌شود. خطوط منحنی قرار گرفته روی تبر، چهار کوه مقدس چینی‌ها را نشان می‌دهد. کوه‌های ووتای شان (شمال)، جیوهوا شان (جنوب)، پوتوتون شان (شرق) و امی شان در غرب، جایگاه مقدسی نزد چینی‌ها دارند و از قدیمی‌ترین اماکن طبیعی برای انجام مراسم‌های آیینی و قربانی به‌شمار می‌آیند. کوه به واسطه نقش نگهدارنده، برجستگی و استواری، نماد زمین و به واسطه بلندی و دسترس ناپذیری جایگاه خدایان و ارواح است. در تائوئیسم کوه نشانه جزایر خوشبختی، جایگاه جاودان‌ها یا تپه‌های طول عمر است (هال، ۱۳۸۰: ۲۱۷). در ارتباط با امپراطور نماد پایداری و ثبات اوست. مرکز کوه بزرگ با سر تبر نشان داده شده است. تبر در زینت‌هایی دوازده‌گانه نماد عدالت است (همان: ۳۶۰). ارتباط کوه و تبر و تلفیق این دو با هم به خاصیت حفاظت هر دو برمی‌گردد؛ یکی از زمین و دیگری از غلات. کوه‌ها برای زمین، جام‌ها برای فلز، جلبک و حوضچه برای آب، خوشه‌های برنج برای چوب و خورشید برای آتش نماد هستند که همگی نشان‌دهنده ووژینگ^۸ تصویر شده‌اند. هم‌چنین، خورشید و ماه و ستارگان در زینت‌ها دانش متناسب برای حاکمیت خوب است.

در طالع بینی چینی، هر واقعه یا شخصیت، فرد و تقدیر او وابسته به عناصری مثل چوب، زمین، آب، فلز، آتش و وجوه حیوانی تفسیر می‌شوند. علاوه بر این، همه آن‌ها نمادی از بین و یانگ هستند. به این پنج عنصر مهم در طالع بینی چینی بُن آسمانی می‌گویند. این عناصر با ساعت و سال تولد نیز پیوند دارند و هر کدام در بردارنده یک علامت حیوانی هستند (بروس میتفورد، ۱۳۹۴: ۱۷۰). همه عناصر طرح شده

نیز تحت این امپراطوری حفاظت می‌شوند. شکل (㚇 fu) در زیر تبر هم از دوازده زینت روی جامه امپراطوران چین است (تصاویر ۴ و ۵). شکل فو حاکی از دو کلمه 福 است که با یک دیگر در تضاد هستند، نشان‌دهنده فضیلت امپراطورانی است که می‌توانند درست را از اشتباه تشخیص دهند و اشتباهات را اصلاح کنند (URL1). نشان لو پان علامت مربوط به آهنگران است. (هال، ۱۳۸۰: ۱۲۱). این شکل توانایی ایجاد تمایز واضح بین درست و غلط را به واسطه تضاد نشان می‌دهد. نوار زرد رنگ در پایین نشان، اتصالی میان اژدها، تبر و ققنوس پرنده سرخ به وجود آورده است. علامت فو وسط نوارهای پیچیده‌ای قرار دارد که اژدها، ققنوس و تبر را به یک دیگر متصل می‌کند. روبان‌ها به واسطه نقش واصل می‌توانند نماد اتحاد بزرگ و جامعه هماهنگ باشند. علاوه بر این‌ها، جداسازی هر یک از عناصر در درون نشان امکان پذیر است. دوازده بخش گویای دوازده فصل است و در کنار هم یک نقش نمادین کیهانی را می‌سازند. تمام اجزای نشان جمهوری چین به تعداد دوازده عدد در لباس امپراطوران چینی استفاده شده است (تصاویر ۴ و ۵). از پس زینت‌ها، نمادهای به‌کار رفته روی جامه‌های تشریفاتی امپراطوران چین معرف دوازده صفات متفاوتی بود که رعایت آن‌ها برای یک فرمانروای خوب ضروری بود. این دوازده زینت را خلاصه اصول اخلاقی کنفوسیوس می‌دانستند. این تفاسیر از جنبه‌های مختلف نشان جمهوری چین را اصیل، پرمعنا و غنی نشان می‌دهد.

تصویر ۶- زینت‌های ۱۲ گانه لباس امپراتوران چین
(URL1).



تصویر ۷- روند تصویری شدن زینت‌های به‌کار رفته در نشان جمهوری چین و تصویب آن (URL2).



نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، این مساله عنوان شد که، نشان‌های ملی به‌عنوان منابع تصویری معرف تمهیدات اخلاقی، مضامین ملی و تأکیدات سیاسی یک کشور و متأثر از تاریخ و فرهنگ آن هستند. در این پژوهش ساختار، طرح‌واره‌های تاملی و معنایی نمادها در نشان‌های پهلوی اول و جمهوری چین را بر اساس اهمیت طرح‌واره‌ها تاملی بررسی کردیم. با توجه به آرای کانت، طرح‌واره‌های تاملی از تامل بر دینامیسم‌های مکانی-زمانی یا پویایی‌های موجودات، استخراج می‌شوند. با توجه به شباهت‌های ساختاری موجود میان دو نشان هدف، می‌توان میان آن‌ها قیاس کرد؛ هر دو نشان از عناصر طبیعی-اجرام آسمانی، کوه‌ها، گیاهان و حیوانات-و ابزار و ادوات ساخته شده‌اند. شیر، اژدها و فنگ‌هوانگ از جمله عناصر حیوانی و شاخه بلوط، زیتون و برنج نیز از عناصر گیاهی در این دو نشان هستند. زمین، آسمان، خورشید، ماه و ستاره نیز از عناصر قابل اشاره بعدی هستند. در کنار این عناصر شمشیر، تاج، تبر، زونگی (جام طلائی) و غیره از جمله ابزار و ادوات به کار گرفته در هر دو نشان هستند که روی فرمی دایره‌ای استوار شده‌اند. بنابراین، می‌توان آن‌ها را به لحاظ ساختاری شبیه به یکدیگر دانست. دو نشان مذکور به عناصر ساختاری مشابه‌ای اشاره دارند، اما چین از استعاره‌های آیینی بیش‌تری بهره می‌برد، عناصر طبیعی و حیوانی بیش‌تری دارد و عناصر آن مانند آتش، آب، چوب، فلز، گیاه، زمین و عناصر حیوانی به طالع بینی چینی هم اشاره دارند. به زمین در قالب کوه اشاره می‌شود. آب با برنج مرتبط است و خلاصه که عناصر اساطیری و زینت‌های لباس امپراطوری در آن دیده می‌شود. در نشان شیر و خورشید دوره اول پهلوی به عناصر مذهبی پرداخته شده، اما نسبت به چین عناصر طبیعی، حیوانی و گیاهی کم‌تری دارد. زمین در این نقش منظور نشده است؛ مگر با اشاره به گیاهان و دوار بودن طرح کلی، آن را لحاظ کنیم. به غیر از شمشیر که می‌تواند نشان هلال ماه و البته، اسلام و تشیع هم باشد، اثری از ستاره نیست. می‌توان بلوط و زیتون را نشان گیاه و آب در نظر گرفت. تاج در نشان پهلوی نشان از شاه دارد.

به جز روایتی از خورشید به منزله نیروی مونث در دوره سلجوقی در دوره پهلوی نیروی مونث در طراحی این نشان مد نظر قرار نگرفته است، طرفه آن که اجزای چهره هم از نشان قاجار پاك شده است.

در نشان شیر و خورشید به‌عنوان نمونه می‌توان عنصر شیر را اشاره‌ای به قدرت پادشاهی دانست. اما دو عنصر حیوانی اژدها و فنگ‌هوانگ به دو شخصیت سلطنتی یعنی پادشاه و ملکه اشاره دارند که مکمل نیروهای بین و یانگ هستند و همواره جاودانه‌اند. در این میان، این خورشید است که در نشان شیر و خورشید به پادشاه اشاره می‌کند. هم‌چنین، شاخه‌های گیاهی بلوط و زیتون مفاهیمی چون طول عمر، وحدت، امنیت و پیروزی و صلح را نمایان می‌سازند؛ اما عنصر گیاهی نشان جمهوری چین که همان خوشه برنج است، اشاره‌ای به اهمیت زمین در تائوئیسم و کشاورزی و نقش حیاتی برنج در چین می‌کند. بر کار و تلاش و کشاورزی و محصول مربوط و خاص این کشور تأکید شده است. اگرچه شمشیر در نشان شیر و خورشید با پاسداری و حفاظت همراه است، اما علاوه بر این معنا، اشاره‌ای به تشیع و جایگاه ویژه حضرت علی (ع) در میان مسلمانان دارد. تبر نشان جمهوری چین نیز با مفهوم غلات و حفاظت از آن‌ها همراه است. هم‌چنین، زونگی، در اندیشه نمادین چینی می‌تواند حامل معانی چون پاکی، رشد معنوی و نمادی از فضیلت امپراطور در وفاداری و فرزندی‌پرستی باشد. در بررسی نشان شیر و خورشید نیز مفاهیم متعددی از قبیل ایستادگی و اقتدار، اتحاد، اهمیت سلطنت و اعمال قدرت آشکار گردیده است. با واکاوی نشان جمهوری چین نیز شاهد القای مفاهیمی چون اهمیت دین و مذهب، اهمیت زمین، کشاورزی و عناصر طبیعی به واسطه تائوئیسم، اتحاد، برکت و حاصل‌خیزی هستیم. بنابراین، می‌توان چنین برداشت کرد که هر دو نشان ضمن اشاره به مفاهیم متعدد مادی، دین و مضامین اخلاقی را نیز در مرکز توجه قرار داده‌اند. نشان شیر و خورشید مجموعه‌ای از اهداف چون اهمیت پادشاه و جایگاه سلطنتی، اهمیت دین و مذهب، مفاهیم آرمانی و ملی چون امنیت، وحدت، طول عمر، پیروزی، صلح، زکیه، امید، برکت، پاسداری و حفاظت از کشور را در

بردارد. نشان ملی جمهوری چین نیز اهدافی مشابه با نشان شیر و خورشید هر چند بیش تر را نشان می دهد که عبارتند از جایگاه ویژه پادشاه و ملکه، اهمیت نیروهای متضاد و مکمل در فلسفه دن و جایگاه مقدس تائوئیسم، مفاهیم آرمانی هم چون اقتدار، برکت، جاودانگی، اتحاد، سعادت، طول عمر. هر دو نشان از نمادهای کیهانی بهره برده اند. هر دو مفاهیم، مضامین و اصول اخلاقی یا دینی را هم زنده کرده اند. نشان جمهوری چین چون برگرفته از زینت های کهن لباس امپراطور یا پادشاه که خود نماد یعنی پسر آسمان است، نشان دهنده دوازده اصل اخلاقی کنفوسیوسی است که امپراطور باید دارای آن ها باشد تا حاکمیتی خوب داشته باشد. نشان جمهوری چین نشان می دهد، سیاست خوب در گرو حاکمی است که از اصول اخلاقی تبعیت کند. سیاست و اجرای درست آن به گواه نشان جمهوری چین به صورت غیر مستقیم در پیوند نمادین با مفاهیم اخلاقی است. در نشان شیر و خورشید ایران میزان کمتری از عناصر نمادین وجود دارد، از همین روی، به میزان کمتری از آن مضامین اخلاقی استنباط شده است. با این حال بیش تر مضامین آن، حول مفاهیم پهلوانی و شجاعت و شانس خوب و خوش یمنی و اشاره به حضرت علی به عنوان اسوه اخلاق و شجاعت شکل می گیرد. نتایج پژوهش بخشی از نتایج تحقیق سامانیان و نایب زاده (۱۳۹۴) را کامل می کند. پژوهش حاضر این نتیجه گیری را تایید می کند که عناصر مشترک در دو فرهنگ، ممکن است معانی متفاوت داشته باشند و این پیامد برای پژوهش حاضر تعیین کننده بوده است. نتایج پژوهش فعلی اهمیت نماد خورشید در تحقیق مشهدی حاجی علی و نظری زاده (۱۳۹۴) را تایید و از آن استفاده می کند. نتایج هر دو تحقیق چرایی وجود خورشید در نشان مهم و ملی ایران را توجیه کرده است. در نهایت این که، نتایج پژوهش مطالعه یحیی ذکا را از جنبه دیگری گسترش داده است. با توجه به زمان نشر آن تحقیق در سال (۱۳۴۴) این انتظار وجود داشته که در راستای آن پژوهش برای بررسی روابط تمدن ها ملل و کشورها به مقایسه رویکردهای هنری و بررسی نگرش و نحوه عملکرد آن ها در طراحی نشان های ملی پرداخته شود. به نظر می رسد پژوهش حاضر بخشی از این انتظار را برآورده کرده است.

پی نوشت

1. Atef.
2. Lu Xun.: 鲁迅.
3. Song dynasty.
4. Ancient "Twelve Chapters": 古代的“十二章”.
5. 宗彝: Zongyi.
6. 楚榮: Chu Jung.
7. 霍: Huo.
8. 吳興: Xing Wu.

منابع

- آفرین، فریده (۱۳۹۸). واکاوی و شرح نقش نماد در فلسفه و زیباشناسی کانت، *پژوهش های فلسفی*، سال سیزدهم، شماره ۲۶، ۵-۲۴.
- بروس میتفورد، میراندا (۱۳۹۴). *د/یره المعارف مصور نماد-ها و نشانه ها*، ترجمه معصومه انصاری و حبیب بشیرپور، تهران: سایان.
- جانسون، مارک (۱۳۹۵). *بدن در ذهن: مبنای جسمانی معنا، تخیل و استدلال*، ترجمه جهانشاه میرزابیگی، تهران: آگاه.
- حاکمی، اسماعیل (۱۳۷۶). مروری بر روابط فرهنگی ایران و چین، *آشنا*، سال ششم، شماره ۳۵، ۹۹-۱۰۳.
- دیکی، جورج (۱۳۹۶). *قرن ذوق: اودیسه فلسفی ذوق قرن هجدهم*، ترجمه داود میرزایی و مانیا نوریان، تهران: حکمت.
- ذکا، یحیی (۱۳۴۴). تاریخچه تغییرات و تحولات درفش و علامت دولت ایران از آغاز سده سیزدهم تا امروز، *هنر و مردم*، شماره ۳۸، ۲۱-۲۹.
- سراوانی، فهیمه (۱۳۹۴). سیر تحول نماد تاج و صحنه های جلوس شاهانه در نقاشی ایرانی، *دومین کنفرانس بین-المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی*، ترکیه، استانبول، ۲۳-۱.
- شاه علیان، محمدصادق (۱۳۹۴). *بررسی سیر تحول پرچم در ایران*، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا، تهران: دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- علیخانی، پریرسا؛ اکبری، فاطمه و نژاد ابراهیمی، احد (۱۳۹۷). مطالعه تطبیقی پرندگان اسطوره ای در ایران و تمدن های مجاور؛ مطالعه موردی: سیمرغ و عنقا، *جلوه هنر*، سال دهم، شماره ۲، ۵۵-۶۶.
- علیزاده بیرجندی، زهرا؛ حمیدی، سمیه ملکزاده، الهام (۱۳۹۶). واکای خاستگاه و کارکردهای نشانهای دولتی عصر قاجار، *جستارهای تاریخی*، سال هشتم، شماره ۱، ۷۹-۹۸.

- Tehran: Aghah Publications. (Text in Persian).
- Kant, I., (1987). *Critique of Judgement*, Trans: Werner S.Pluhar, Cambridge: Hackett Publishing Company.
- Körner, S., (2010). *Kant*, Trans: Ezzatollah Foladvand, Tehran: Kharazmi Pub.(Text in Persian).
- Leroy, T. Plomion, C. Kremer, A. (2020). Oak Symbolism in The Light of Genomics, *New Phytologist*, Vol.226, No.(4), pp: 943-946.
- Mashhadi Haji Ali, F., and Nazarizadeh, F., (2014). The symbol of the Sun in Ancient Iranian Art, *National Conference of Archeology of Iran*, Iran, Birjand. (Text in Persian).
- Nayebzade, R, Samaniyan, S., (2015). Dragon in Myths and Culture of China and Iran, *Mytho-Mystic Literature*, 11(38), 235-270. (Text in Persian).
- Saravani, F., (2016). The Evolution of the Symbol of the Crown and the Royal Coronation Ceremonies in Iranian Painting, *The Second International Conferences on Research in Science and Technology*, Turkey, Istanbul. (Text in Persian).
- ShahAlyan, M. S., (2015). *Study of Evolution of Flags In Iran*, M.A thesis, Goegraphy (Political Geography), Tarbiat Modares University. (Text in Persian).
- Vajdi Dastgerdi, Z., Salehian Dehkordi, H. (2017). Investigating China's Presence in the Persian Gulf from a Political and Economic Point of View, Emphasizing the Relations between China and Iran. *The Conference of the Scientific Community of Iranians Living in China, The Study of Processes of Development and Achievements in China*, the community of Iranian students living in Beijing, China, Beijing, second term. (Text in Persian).
- Zoka, Y., (1965). The History of Changes and Evolutions of Iranian State's Flags and Signs from 13th up to Now, *Art and People*, No (38), 21-29. (Text in Persian).

URLs:

- URL1. <https://baike.baidu.com/item/%E5%8D%81%E4%BA%8C%E7%AB%A0%E7%BA%B9/1725421>(access date: 2022/09/22).
- URL2. <http://coin007.com/bbs/read.php?tid=34187> 民國十二年【龍鳳繡黻】銀幣 - 钱币纵横 (access date: 2022/09/8).
- URL3. <https://www.farahpahlavi.org/about/coat-of/arms>. The Imperial Standard of Iran. (n.d)(access date: 2022/5/3).
- URL4. <http://gallica.bnf.fr/ark:/12148/bpt-6k5425532r> (access date: 2022/2/3)
- URL5. <https://law.moj.gov.tw/ENG/LawClass/LawAll.aspx?pcode=D0020020>(access date: 2022/08/25)
- URL6. <https://www.quora.com/Why-is-the-flag-of-China-so-simple-in-design>(access date: 2022/07/22).
- URL7. <https://www.webdeleuze.com>(access date: 2020/09/20).

- کورنر، اشتفان (۱۳۸۹). *فلسفه کانت*، ترجمه عزت‌آلودوند، تهران: خوارزمی.
- مشهدی حاجی علی، فاطمه ونظری زاده، فریده (۱۳۹۴). نماد خورشید در هنر ایران باستان، *همایش ملی باستان‌شناسی ایران*، ایران، بیرجند، دوره دوم، ۱-۱۶.
- نایب‌زاده، راضیه و سامانیان، صمد (۱۳۹۴). ازدها در اسطوره‌ها و فرهنگ ایران و چین، *ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی*، سال یازدهم، شماره ۳۸، ۲۳۵-۲۶۹.
- وجدی دستگردی، زهرا و صالحیان دهکردی، حسین (۱۳۹۷). بررسی حضور چین در خلیج فارس از منظر سیاسی و اقتصادی با تاکید بر روابط چین و ایران، *همایش جامعه علمی ایرانیان مقیم چین*، بررسی فرآیندها و دستاوردهای توسعه در چین، مجمع دانشجویان ایرانی مقیم پکن، چین، پکن، دوره دوم، ۱-۱۴.
- هال، جیمز (۱۳۸۰). *فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب*، ترجمه رقیه بهزادی، تهران: فرهنگ معاصر.

References

- AliKhani, P, Akbari, F, NejadIrahimi, A., (2018). The Comparative Study of Mythical Birds in Iran and Neighboring Civilizations, Case Study: Sēnmurw& Phoenix, *Glory of Art (Jelve-y Honar)*, 11 (2), 55-66. (Text in Persian).
- Alizadehbirjandi, Z., Hamidi,S., Malekzadeh, E., (2017). Analyzing the Origin and Functions of the State Emblems of the Qajar Era, *Joastarhay-e Tarixi (Historical Studies)*, 8 (1), 79-98. (Text in Persian).
- Afarin, F., (2019). Explanation of Role of Symbol in Kantian Philosophy and Aesthetics, *Philosophical Studies*, 13 (26), 5-54. (Text in Persian).
- Bruce-Mitford, M., (2015). *Illustrated Book of Signs & Symbols*, Trans: Masoomeh Ansari and Habib Bashirpoor, Tehran: Cyan publication. (Text in Persian).
- Cirton, J. E., (2001). *A Dictionary of Symbols*, London: Routledge.
- Deleuze, G., (1978/04/04). «Courses on Kant», Trans : Melissa McMahon, www.webdeleuze.com (access date: 2020/09/20)
- Dickie, G., (2017). *The Century of Taste*, Trans: Davood Mirziaee and Mania Nourian, Tehran: Hekmat. (Text in Persian).
- Hall, J., (2001). *Illustrated Dictionary of Symbols in Eastern and Western Art*, Trans: Roghayeh Behzadi, Iran: Farhange Moaser Pub. (Text in Persian).
- Hakemi, I., (1997). A Review of Cultural Relations between Iran and China, *Ashna Quarterly*, 6 (35), 99-103. (Text in Persian).
- Johnson, M., (2015). *The Body in the Mind: The Bodily Basis of Meaning*, Imagination, and Reason, Trans: Jahanshah Mirzabeigi, first edition,

Comparative Study of the Symbols in the National Emblems of the First Pahlavi in Iran and the Republic of China ¹

Sajedeh Nikian²

Farideh Afarin³

Received: 2022-06-01

Accepted: 2022-11-29

Abstract

The aim of the research is to study the structural elements of the Pahlavi emblem and the Republic of China through descriptive-analytical method, based on comparative studies, and content analysis. By means of reflective schemas to determine the extent of the application of symbols and meanings and concepts called to find common themes and ideals or to extract the cultural differences and political covenants of these two countries within a comparative approach in a determined period of time.

Since the two countries of Iran and China have had extensive communication and significant cultural and artistic relations through the Silk Road, and the perceived integration between Buddhist and Islamic arts, the attitude of the two countries on the basis of several thousand years of civilization, in choosing and designing their prominent national emblems in a specific time frame, can be significant and offer important insights.

The question is How and to what extent have these two countries used symbols for the design of national emblems, for the purpose of directing political covenants and moral themes, etc., in the same period of time?

Results: In the present study, it was determined that national emblems are representative image sources of a country that are influenced by its history and culture. In this research, the structure of reflective schemas and meanings of symbols in the emblems of the First Pahlavi and the Republic of China based on the importance of such schemas, have been examined. According to reading of Kant, reflective schemas are extracted from reflection on spatio-temporal dynamism or dynamics of a being, animal, tree, etc. Considering the existing structural similarities between the two emblems, it is possible to compare them.

Both emblems are made of natural elements - heavenly bodies, mountains, plants and animals - and tools; Lion, dragon and Feng Huang as animal elements, oak branch, olive and rice as plant elements, heavenly

1. DOI: 10.22051/JJH.2022.40577.1802

The Present Paper is Extracted from the MA. Thesis by Sajedeh Nikian, Entitled: "Analysis of the Aesthetic Effect of National Emblems of Six Countries According to the Cognitive Approach"

2-MA., Department of Art Research, Faculty of Art, Semnan University, Semnan, Iran.

Email: sajedeh.nikian@semnan.ac.ir

3-Associate Professor, Department of Art Research, Faculty of Art, Semnan University, Semnan, Iran, Corresponding Author.

Email: f.afarin@semanan.ac.ir

bodies such as the earth, sky and sun, moon and stars are also depicted in national emblems of Iran and China. Besides these natural elements, sword, crown, axe, Zongzi (golden cup) etc. are among the tools incorporated in the designs of these emblems. Therefore, there can be structural similarities between the two.

Although both emblems share similar structural elements, but the Chinese national emblem showcases more ritualistic motifs, more natural and animal elements, and contains allusions to the Chinese astrology by depiction of elements such as fire, water, wood, metal, plant, and earth; the earth in the form of a mountain, rice embodies water etc. Mythological elements and ornaments of the imperial dress can also be seen in the Chinese national emblem. In lion and sun emblem of the first Pahlavi, religious elements are depicted, but compared to the Chinese counterpart, it has less natural, animal and plant elements. The earth is not included in the Iranian emblem. Apart from the sword, which can be a sign of the crescent moon and of course Islam and Shiism, there is no trace of other heavenly bodies. Oak and olive can be considered as symbols of plants and water. The crown is the symbol of the king on the top side of emblem. In the Pahlavi period, the feminine power is not showcased in the design of the emblem.

The study goes on to compare the meanings and concepts in the two symbols. In the sign of lion and sun, for example, the element of lion can be seen as a reference to the power of the kingdom. But the two animal elements, dragon and Feng-Huang, refer to two royal characters, the king and the queen, which show complementary forces of yin and yang that are eternal. Meanwhile, the sun in the lion and sun emblem again, refers to the king, and there are no feminine symbols to compensate as the queen. Also, oak and olive plant branches in Pahlavi's emblem represent concepts such as longevity, unity, security, victory and peace, but the plant element of the Republic of China, which is the rice spike, is a reference to the importance of earth and agriculture in Taoism and rice's crucial significance in Chinese culture, and the work, effort, toll that goes into the production of rice as the singular most recognized product of China. Although the sword in the sign of the lion and the sun is associated with guarding and protection, it also refers to Shiism and the revered regard for Imam Ali (pbuh) among Muslims. The axe is also associated with the concept of grains and their protection. Also, Zongzi, in Chinese symbolism, can carry meanings such as purity, spiritual growth, and is a symbol of the emperor's virtue in loyalty and filial piety. In examining the lion and the sun, several concepts such as resistance and authority, unity, the importance of royalty have been revealed. In the Republic of China's emblem, the induction of concepts such as the importance of religion, the importance of earth, agriculture and natural elements in accordance with Taoism, unity, blessing and fertility can be detected.

Therefore, it can be concluded that both signs, while referring to numerous material concepts, have also placed religion and moral themes in the center of attention. The lion and sun motifs is a declaration of nationalistic goals such as the importance of the king and the royal position, the importance of religion, ideal concepts such as security, unity, longevity, victory, peace, hope, blessing, guarding and protecting the country. The national emblem of the Republic of China also shows similar messages as the emblem of the lion and the sun, although more, which include the special position of the king and queen, the importance of opposing yet complementary forces, the sacred position of Taoism, and ideal concepts such as authority, blessing, immortality, unity, happiness, longevity. Both emblems have showcased cosmic symbols. Both bring to life the concepts, topics of morality or religious principles. The emblem of the Republic of China, is inspired from the old decorations of the traditional imperial dress, which in turn depicted the emperor as the symbol of the son of the sky, and referred to the teachings of Confucius and his twelve moral commandments that the emperor embodied in order to be a just ruler. Therefore the emblem of Republic of China implies that a good prosperous country with instructive policies is achieved only through an authority that follows moral codes as its principle policy. In first Pahlavi's national emblem, such moral symbols are not much showcased, but mostly concepts such as chivalry, bravery, and good fortune and good omens are emphasized, with a focus on Imam Ali (pbuh) as the embodiment of morality and courage.

Key words: Symbol, Meaning, National Emblems, Pahlavi of Iran, Republic of China.